

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۲۰

doi 10.22034/nf.2023.177056

تأثیر عثمانی بر مشروطه ایرانی

* علی‌رضا علی‌صوفی (دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران - ایران)

میرصمد موسوی (استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران - ایران)

لطف‌اله تقی‌زاده (دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران - ایران)

چکیده: نحوه تأثیرگذاری امپراتوری عثمانی بر انقلاب مشروطه در ایران، از ابعاد گوناگونی بررسی شدنی است؛ نخست از بُعد رجال سیاسی و مذهبی دوران قاجار، که به نحوی از وضعیت داخلی امپراتوری عثمانی متأثر بودند و در پی اصلاح و ایجاد تحول در ساخت سیاسی-اداری کشور برآمدند. دوم، فعالیت روشنفکران و بازرگانانی که حضورشان در امپراتوری عثمانی، به تأثیرپذیری آنها از آن امپراتوری منتج شد و همین امر الهام‌بخش آنان برای ایجاد تحولاتی در ایران گردید. بعد سوم، در این بررسی، بر تأثیرگذاری مستقیم امپراتوری عثمانی در انقلاب مشروطه مبتنی است و بعد چهارم، مر بوط به فعالیت روزنامه‌های ایرانی مقیم استانبول است. در این پژوهش، به روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی ابعاد مختلف این تأثیرگذاری‌ها واکاوی و تحلیل شده است، که هر یک مستقیم یا غیرمستقیم با تأسی از امپراتوری عثمانی، به نحوی به دنبال ایجاد تحول در ایران بودند.

کلیدواژه‌ها: مشروطه، عثمانی، فرهنگی، سیاسی، قاجار.

* Email: ar.soufi@yahoo.com

** Email: m.samad59@gmail.com

*** Email: lt0379@yahoo.com

۱ مقدمه

بحث در خصوص چگونگی تأثیر امپراتوری عثمانی بر شکل‌گیری انقلاب مشروطه ایران مستلزم نگاهی بر پیشینه تاریخی این وقایع است. زمانی که اروپا دستخوش فرازونشیب‌های قرون وسطی و درگیر کشاکش‌های مذهبی میان شاخه‌های مختلف مسیحیت بود، امپراتوری عثمانی در روند قدرت‌گرفتن قرار داشت. سلطان محمد فاتح، در سال ۱۴۵۳، استانبول را فتح کرد و سپس فتوحات عثمانی در بالکان و شرق اروپا و حتی آسیا و آفریقا تداوم یافت. قرون ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ میلادی همان‌گونه که اوج توسعه و قدرت‌یابی عثمانی محسوب می‌شود، اوج تشدید اوضاع و چندپارگی آن نیز به شمار می‌رود.

در عرصه سیاسی و بین‌المللی، پس از جنگ‌های مذهبی سی‌ساله بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها (۱۶۴۸-۱۶۱۸)، کلیسای کاتولیک، به دنبال کنگره متعالی، پذیرفت که در سیاست دخالت نکند و این آغاز شکل‌گیری دولت‌های عرفی و سکولار در اروپا بود. با تداوم اصلاحات فرهنگی، مذهبی و رشد علوم و فناوری در اروپا، این قاره روزبه‌روز در مسیر رشد و تعالی قرار گرفت و در نقطه مقابل، کشورهای مسلمان و شرقی مانند عثمانی و ایران به جهت اندیشه فلسفی - مذهبی (خلافت، امامت و امت) و به عبارتی دیگر، سنت در جا می‌زدند. این حرکت در دو مسیر مدرنیته و سنت، نتیجه عملی خود را نخستین بار در شکست عثمانی‌ها در آخرین محاصره وین در سال ۱۶۸۳ م، نشان داد که این رویداد سرآغاز شکست‌های پی‌درپی امپراتوری عثمانی شد. می‌توان گفت که اواخر قرن ۱۷ م و در طول قرن ۱۸ م نظم فکری، مذهبی و فلسفی مبتنی بر اندیشه خلافت و امت، در میان برخی از شخصیت‌های بروکراتیک و دیپلمات‌های عثمانی شروع به ترک برداشتن کرد و ضرورت درک و فهم تحولات بنیادین در اروپا، در عمل به میان آمد. از اواخر قرن ۱۸ میلادی اصلاحات عملی در حوزه‌های اداری و نظامی شروع به خودنمایی کرد، سپس این اصلاحات در قرن ۱۹ م با تأسیس ارتش نوین و کنار گذاشتن نیروی نظامی - سنتی عثمانی‌ها تداوم یافت.

برای ایران و نخبگان حاکم قاجار، تحولات و اصلاحات بنیادی انجام‌گرفته در اروپا، به دلایل جغرافیایی و تاریخی بسیار دیرتر آشکار گردید و فهم و درک ضروری رویارویی با جهان مدرن و الزامات آن، با تأخیر بسیار نسبت به عثمانی حاصل شد. ایران در دو دوره جنگ با روسیه با معاهدات گلستان و ترکمنچای در سال‌های ۱۸۱۳ و ۱۸۲۸ م، از روسیه شکست خورد و این شکست را بسیاری از مورخان و

تحلیل گران تحولات ایران، آغازی بر ایجاد شک و تردید نسبت به نظم فکری، فلسفی، مذهبی و اجتماعی موجود بین نخبگان و صاحبان فکر اندیشه ایرانی می‌دانند (نقیب‌زاده، ص ۳۰۷).

امپراتوری عثمانی، قرن‌ها همسایه غربی و شمال‌غربی ایران بود. به طوری که بخشی از تاریخ دو کشور، متأثر از چگونگی روابط آنهاست. نقیب‌زاده معتقد است تاریخ سیاسی سرزمین‌های ایران و عثمانی در قرون جدید، نه تنها شاهد تقارن زمانی است، بلکه از ریشه‌های اجتماعی یکسانی نیز سرچشمه می‌گیرد؛ زیرا بی‌تفاوتی صفویان به ساختارهای ایلی و سخت‌گیری عثمانی‌ها نسبت به اینگونه تشکل‌ها، باعث مهاجرت ایلات آسیای صغیر به ایران و برعکس، مهاجرت شهرنشینان ایرانی که ساختار دولت نوپای صفویه را مناسب حال خود نمی‌دیدند، به آسیای صغیر شد (همان، ص ۳۰۹).

در پی آشنایی ایران و عثمانی با غرب که تقریباً برای هر دو راه برخورد‌های نظامی حاصل شد، عثمانیان زودتر و ایرانیان اندکی دیرتر، طعم تلخ توسعه‌طلبی‌های غرب و قدرت نظامی آنها را چشیدند. در ایران پس از جنگ‌های ایران و روس، اندیشه تجدد و اخذ تمدن غربی رشد یافت و در عثمانی این حرکت از زمان سلطان سلیم سوم که در سال ۱۷۸۹م و هم‌زمان با انقلاب کبیر فرانسه به سلطنت رسید، شروع شد. اما حرکت جدی در این زمینه به عصر تنظیمات برمی‌گردد که از سال ۱۸۳۹م آغاز گردید (همان، ص ۵۲).

در این سال سلطان عبدالمجید اول، فرمان گلخانه را صادر کرد که در نوع خود مترقی بود و زمینه را برای قانون اساسی مشروطه در سال ۱۸۷۶م فراهم آورد. در ایران نیز حکومت کوتاهی در زمان ولیعهدی عباس میرزا پدیدار شد و تعدادی دانشجوی ایرانی در رشته‌های مختلف برای تحصیل به اروپا اعزام شدند. اما اصلاحات واقعی با رنگ و بوی ایرانی در زمان صدارت امیرکبیر شروع شد که می‌توانست با انقلاب ژاپن مقایسه شود (کاووسی عراقی، ص ۱۶). می‌توان گفت نه در عثمانی اصلاحات به جایی رسید، نه در ایران، حتی در ایران عهد ناصرالدین شاه. زیرا با اینکه ناصرالدین شاه خواهان اصلاحات بود ولی چون اصلاحات بدون تغییر در نظام استبداد را می‌خواست و خودش نیز حاضر به تن در دادن به قانون نبود، نتوانست به جایی برسد. با وجود این، هر دو جامعه ترک و ایرانی در حال دگرگونی بود. ورود اندیشه‌های جدید به ایران از طریق دانشجویانی که به اروپا رفته بودند گسترش می‌یافت و دیدگاه‌های جدید با تحولات اجتماعی و اقتصادی نیمه دوم قرن نوزدهم، زمینه‌های جنبش مشروطه را فراهم می‌ساخت (نقیب‌زاده، ص ۴۲).

در عثمانی نیز وقتی ساختارهای کهن از تحول بازماندند و حتی توان حفظ اقتدار خود را در برابر تقاضاهای فزاینده ایالات، که زیر چتر امپراتوری گرد آمده بودند، نداشتند، مانند ایران کارگزاری تحول و اصلاحات به خارج از نظام حکومتی منتقل و زمینه انقلاب ترکان جوان با سه سال فاصله از جنبش مشروطه ایران فراهم شد (تقی‌زاده، ص ۵۳). در همین دوران، ارتباط میان روشنفکران ایرانی و عثمانی افزایش یافت و نظر به شرایطی که در استانبول فراهم شده بود، این شهر به پناهگاه شمار فراوانی از ایرانیان تجارت‌پیشه، پیشه‌ور، کارگر و روشنفکران فراری و رانده‌شده از میهن تبدیل شد. از این رو، استانبول پایگاه مهمی برای شکل‌گیری کانون‌های فرهنگی - سیاسی اپوزیسیون برون‌مرزی بود، به طوری که روزنامه اختر، که یکی از روزنامه‌های آگاهی‌بخش در آستانه جنبش مشروطه ایران بود، در آنجا منتشر می‌شد. با توجه به همسایه بودن ایران و عثمانی و تأثیراتی که ناگزیر این دو دولت از جنبه‌های مختلف بر هم داشته‌اند، ارزیابی دگرگونی‌های تاریخی این دو کشور و تأثیراتی که به‌ویژه امپراتوری عثمانی بر تحولات تاریخی ایران داشته نیازمند واکاوی جنبه‌های مختلف تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... است، تا با حصول شناخت کافی از این تغییرات، علل و ریشه‌های تحولات منطقه‌ای و تاریخی جنبش‌های اجتماعی از جمله مشروطه و جنبش مشروطه‌خواهی دریافت شود. از این رو، در این مقاله، با رویکرد توصیفی - تاریخی تلاش می‌شود روابط بین ایران و عثمانی از منظر اثرپذیری مشروطه در ایران از امپراتوری عثمانی ارزیابی و تبیین شود.

۲ پیشینه پژوهش

عربخانی به بررسی زیارت عراق، پدیده‌ای فرهنگی با ابعاد سیاسی، پرداخت که به مثابه برشی از مناسبات سیاسی ایران و عثمانی دوره قاجار بود. بر اساس نتایج، پدیده زیارت شهرهای مقدس عراق، در دوره قاجاریه، یکی از راه‌های اتصال جامعه ایران و عثمانی تلقی می‌گشت. اگرچه این پدیده تا پیش از دوره قاجار، با ابعاد فرهنگی اجتماعی و اقتصادی خود هم‌چنان وجود داشت، در این دوره تحت تأثیر برخی عوامل نظیر افزایش تعداد زوار، رواج مناسبات دیپلماتیک میان دولت‌ها و نیز تحولات منطقه‌ای، ابعاد سیاسی نیز به خود گرفت و به مسئله‌ای پیچیده و تأثیرگذار در روابط ایران و عثمانی تبدیل شد. قرار گرفتن عراق شیعه در داخل مرزهای دولت عثمانی و همسایگی این خطه با دولت و جامعه شیعی ایران که

سالانه هزاران نفر از اتباع آن برای زیارت اماکن مقدس عراق راهی آنجا می‌شدند، پیامدهای سیاسی - اجتماعی فراوانی داشت و چالش‌هایی را در مناسبات سیاسی دولتین ایجاد می‌کرد.

اسدی و همکاران به واکاوی روابط ایران و عثمانی در دوره صفویه با تکیه بر قراردادهای تاریخی پرداختند. بر اساس نتایج و با نگاهی به توافق انجام‌شده و شرایط سیاسی دولت صفوی تا پیش از صلح در دوران شاه تهماسب، در کنار رخدادهاى مربوط به جنگ‌های بیست‌ساله ایران و عثمانی، می‌توان گفت مواد پیمان آماسیه برای ایران نامساعد نبود. با توجه به اینکه تجارت ابریشم سهم مهمی از منابع مالی دولت صفویه را شامل بود و حمل و نقل این کالا نیز از طریق ایالات غربی و شمال غربی ایران صورت می‌گرفت، شاه عباس - جدا از مسائل سیاسی - ناگزیر به بازپس‌گیری این مناطق بود. در نتیجه، شاه عباس اگرچه اهداف سیاسی خود را در برابر دولت عثمانی دنبال می‌کرد، برقراری صلح می‌توانست عوایدی برایش به ارمغان بیاورد که چشم‌پوشی از آن را بسیار سخت می‌نمود.

احمدوند به بررسی روابط خارجی ایران و عثمانی در دوره زندیه (قرن هیجدهم میلادی) پرداخت. نتایج نشان داد که در این دوره، به دلایل سیاسی و حفظ استقلال دو کشور، روابط آنها به روشی دوستانه دنبال می‌شده و جز یک مورد، برخورد خصومت‌آمیزی میان آنها به وجود نیامده است. آنها حتی در دسته‌بندی با دشمنان همدیگر نیز شرکت نکرده‌اند و گمان می‌رود که دو کشور برای روابط مبتنی بر صلح و حفظ آرامش در مرزهای خود اهمیت فراوان قائل بوده‌اند.

اصفهانیان و ماشینیچی به بررسی گروه‌های تأثیرگذار ایرانی مقیم عثمانی بر اوضاع فرهنگی ایران در آستانه انقلاب مشروطیت پرداختند. بر اساس یافته‌های این پژوهشگران، تجار با استفاده از روابط و تبادلات اقتصادی فراهم‌آمده میان ایران و عثمانی، بخشی از فرهنگ اخذشده اروپایی را از طریق عثمانی به ایران منتقل نمودند. از این رو، عثمانی همانند دروازه عبور فرهنگ غرب به شرق بود؛ ابتدا فرهنگ غرب وارد عثمانی می‌شد، و از آنجا، توسط تجار و روشنفکران و روزنامه‌های منتشرشده، به ایران انتقال می‌یافت. همچنین، از آنجا که روشنفکران و متفکران و سایر گروه‌های تأثیرگذار، از طریق روزنامه‌ها به اشاعه آرا و عقاید خود می‌پرداختند، در نتیجه، می‌توان گفت که روزنامه‌ها نقش نخست را در تأثیرگذاری بر افکار عمومی و روشنگری در میان مردم بر عهده داشته‌اند. سپس به ترتیب، علما و تجار نیز در جایگاه‌های بعدی قرار می‌گرفتند؛ و بدین گونه، فرهنگ از طریق عثمانی به درون ایران راه می‌یافته است.

دهقانی به بررسی روابط ایران و عثمانی به مثابه الگوی روابط شرقی - اسلامی پرداخت. در مقایسه ساختار اجتماعی - سیاسی ایران و عثمانی بر اساس تحقیق وی، دریافته شد که بخش بزرگی از شهروندان سلطان غیرمسلمان بودند و مسئله شرق مناقشه‌ای سیاسی در سده نوزدهم و اوایل قرن بیستم در سطح قدرت‌های اروپایی بود. این مسئله، حمایت دول اروپایی از دولت عثمانی و اقلیت‌های قومی و مذهبی ساکن امپراتوری تا تجزیه و فروپاشی قلمرو سلطان را در بر می‌گرفت؛ از این رو، امپراتوری عثمانی جاذبه چندوجهی برای بیشتر دولت‌های قدرتمند اروپایی مانند انگلیس، روسیه، فرانسه و اتریش داشت.

علیزاده بیرجندی بر عوامل مؤثر بر روابط ایران و عثمانی در دوره قاجاری تمرکز کرد. او در پژوهش خود، با بررسی چشم‌اندازی از روابط سیاسی دو کشور در مقطع زمانی مورد مطالعه به وجود شباهت‌هایی در سیر تاریخی دو کشور، چون ورود استعمار، اخذ تمدن غربی و مشروطه‌خواهی، و وجود گونه‌ای دیگر از مناسبات و تأثیرات متقابل جریان‌های فکری و جنبش‌های اجتماعی این دو سرزمین در قالب عوامل فرهنگی، سیاسی و تجاری پی برد.

۳ روابط فرهنگی ایران و عثمانی

تحولات تاریخی مشروطه و مشروطه‌خواهی در ایران دارای جنبه‌های فرهنگی متعددی است که بررسی و ارزیابی جامع آنها در شناخت این پدیده ضروری است. از این رو، در ادامه با بررسی تفصیلی هر کدام تلاش می‌شود تا زوایای پنهان مشروطه ایرانی در ارتباط با امپراتوری عثمانی از لحاظ فرهنگی مشخص شود.

الف) نویسندگان، روشنفکران و تجار: موارد متعددی از جمله تحصیل‌کردگان ایران در مدارس عالی استانبول، انتشار روزنامه‌های اختر و قانون در استانبول، جایگاه خاص زبان فارسی در عثمانی، نقش ترجمه‌ها در ارتباطات فرهنگی و نیز امپراتوری عثمانی مرکز انتقال مظاهر تمدن غرب به ایران، نشانگر ارتباطات فرهنگی ایران و عثمانی است (رنیس‌نیا، ص ۷۹۰-۷۹۲). در اوایل مشروطه، امپراتوری عثمانی، به دلیل فضای آزادتر سیاسی که داشت، برای اقامت ایرانیان مکان مناسبی به‌شمار می‌آمد، ضمن اینکه گروهی برای کسب‌وکار به عثمانی مهاجرت کردند.

روشنفکران و آزادی خواهان بسیاری به دلیل استبداد حکومت قاجار به خصوص در عهد ناصرالدین شاه به خاک عثمانی پناه بردند و به تنویر افکار و اندیشه های هموطنان خویش پرداختند. همجواری استانبول با اروپا و آشنایی نزدیک آن با افکار و اندیشه های عربی و بازتاب های شدید غربی در آنجا، باعث جذب افرادی از ایرانیان شده بود که دل خوشی از دستگاه سیاسی و استبدادی قاجار نداشتند. این افراد با استفاده از آزادی نسبی که در عثمانی وجود داشت دست به تألیف و ترجمه کتبی زدند. این امر در نشر افکار و اندیشه های نوین در ایران نقش بسزایی داشت. همچنین، این روشنفکران در عثمانی با یکدیگر در ارتباط و تبادل اندیشه بودند. تأسیس روزنامه اختر از نتایج مفید همین روابط بود (آرین پور، ص ۳۹۰).

میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی از چهره های شاخص این گروه هستند، که در سال ۱۳۰۵ق، به دلیل اتهام و انتساب به بایگی گری به استانبول رفتند و تحت تأثیر عقاید و اندیشه های سیدجمال الدین اسدآبادی قرار گرفتند. آنها همچنین با سایر روشنفکران ارتباط برقرار کردند و با علمای نجف، سامرا، ایران و رجال و مردم پایتخت و شهرهای ایران مکاتبه و آنها را به اتحاد اسلامی دعوت می کردند. میرزا حبیب اصفهانی، از دیگر روشنفکران ادیب ایرانی بود که اتهام هجو سپهسالار محمدخان صدراعظم به او زده شد و در سال ۱۲۸۳ق، وطن را ترک کرد و به عثمانی پناهنده گردید (همان، ص ۳۹۵).

وی علاوه بر تألیف کتبی مانند دستور سخن که مهمترین اثر او در زمینه زبان فارسی بود و تأثیر شگرفی در فرهنگ و ادبیات مشروطه گذاشت، ترجمه آثاری چون حاجی بابا اصفهانی و چاپ مقالاتی در روزنامه اختر و تدریس زبان و ادبیات فارسی در مدارس استانبول را به عهده داشت و همچنین عضو انجمن معارف عثمانی بود (ریاحی، ص ۲۴۵). وی افزون بر اقدام در زمینه های فرهنگی و ادبی و مباحث مربوط به حکومت قانون، کمک های زیادی به آزادی خواهان نمود و خانه اش مرکزی برای اجتماع ادیبان آزاداندیش ایرانی بود و با وجود دوری از میهن و معاشرت با اهل استانبول، تعصب و غیرت خود را در وطن دوستی و حمایت از ایرانی بودن از دست نداد. در این زمینه، ادیبان و متفکران عثمانی نسبت به متفکران ایرانی در پیش قرار داشتند. البته اصول تجددخواهی مطلوب در هر دو کشور از نظر فکری و توجه به ملیت خواهی و خردگرایی مشترک بوده است (پیرزاده، ص ۹۶).

در نهضت مشروطه طلبی، بعضی از محافل آزادی خواه استانبول با وسایلی که در اختیار داشتند، به یاری آزادی خواهان ایران برخاستند؛ زیرا در آن موقع، نهضتی آزادی خواه در عثمانی علیه نظام استبداد سلطان عبدالحمید دوم و در سراسر روسیه، خاصه تقلیس و باکو و ایروان، علیه سلطنت مطلقه تزار آغاز گردیده بود و ملل ایران و عثمانی و روسیه در مسیر نهضتی قرار گرفته بودند که هدف آن برای هر سه ملت، با اندک تفاوت یکسان بود (ریاحی، ص ۲۴۵).

در استانبول، انجمن سعادت ایران، با همت عده‌ای از آزادی خواهان مهاجر تأسیس گردید و با مشکل ساختن عناصر ایرانی و غیرایرانی مشروطه خواه، به پیشرفت مقاصد ملیون ایران بسیار یاری رساند و چون چند ماه پس از استقرار رژیم مشروطه در ایران، در عثمانی نیز رژیم سلطنت مشروطه برقرار گردید، انجمن مزبور از آن پس با آزادی بیشتری اقدامات خود را در ایجاد ارتباط بین ملیون آذربایجان و علمای روشنفکر نجف و محافل مطبوعاتی جهان دنبال می کرد و این اقدامات مایه دلگرمی مبارزان و دلبران آذربایجان بود. بنا به نوشته کسروی، نیروی این انجمن به پایه‌ای رسید که ارفع الدوله سفیر ایران در استانبول، که یکی از بزرگترین دشمنان مشروطه بود، از ترس مشروطه خواه شد و درخواست‌های انجمن را پذیرفت و حتی سه هزار منات (روبل روسی) اعانه برای تبریز پرداخت (شمیم، ص ۵۱۸-۵۱۷). در مجموع، روابط دو کشور را، در آستانه تأسیس دو حکومت نوظهور در ایران و عثمانی به مثابه میراث قرن‌ها ارتباط، می توان بدین ترتیب دسته بندی و تلخیص کرد:

— به سبب همسایگی دو کشور در طی قرن‌های متمادی، روابط آنها با منازعه سیاسی آغاز شد و حتی تلاش آنها را برای نفی همدیگر و تحت حاکمیت درآوردن طرف مقابل برانگیخت. همچنین، در دوره‌ای با تشکیل حکومت شیعی در ایران، این منازعات به درگیری مذهبی کشیده شد و رقابت دو کشور را در سایر امور تحت الشعاع قرار داد.

— با ورود قدرت‌های اروپایی به منطقه، از جمله روسیه، انگلستان و فرانسه و رقابت آنها در به دست آوردن منافع و حفاظت از آن، روابط ایران و عثمانی نیز از این حضور و رقابت تأثیر می پذیرفت و در مقاطعی حضور آنها عامل افزایش مشاجره و حتی جنگ یا مصالحه با وساطت قدرت‌های ثالث می شد (رنیس‌نیا، ص ۷-۹؛ راتین، ص ۲۵-۲۶).

— قرار داشتن اماکن زیارتی شیعه و نیز مکه و مدینه در محدوده عثمانی و علاقه و اشتیاق ایرانیان به زیارت اماکن متبرکه و احياناً انتقال اجساد مردگان به این مناطق، یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در روابط

دو کشور بود، که همواره در مذاکرات و عقد عهدنامه‌ها بدان توجه می‌شد. در بعضی موارد نیز این مسئله آغازگر جنگ میان دو کشور و تلاش ایرانیان برای کنترل این اماکن می‌شد.

— مسائل و اختلافات مرزی و ادعاهایی که هر یک از طرفین برای حاکمیت بر برخی مناطق طرف مقابل داشته‌اند، همواره از مسائل مؤثر و مطرح در ایجاد روابط بوده است؛ به‌ویژه در دوره قاجار، بارها هریک از دو کشور، با استفاده از نیروی نظامی، به اشغال مناطق مورد ادعا دست می‌زد و سال‌ها مذاکره و حتی وساطت کشورهای ثالث نتیجه‌بخش نبود و با وجود عقد پیمان‌های مختلف، این اختلافات به دوره بعدی روابط ایران و ترکیه کشیده می‌شد و از این روی یکی از محورهای اصلی در شکل‌گیری و امتداد این روابط بود (رئیس‌نیا، ص ۷-۹).

— مسئله ایلات و عشایر و جابه‌جایی آنها در مناطق مرزی و حوادث و اقدامات ناشی از این جابه‌جایی‌ها و ادعاهایی که هر دو کشور در مورد تبعیت برخی ایلات و طوایف داشته‌اند و نیز استفاده از آنها به عنوان یک اهرم فشار و گرفتن امتیاز از طرف مقابل، یکی دیگر از محورهای ارتباط و درگیری دو کشور را تشکیل می‌داد.

— در کنار روابط رسمی میان دو کشور، ارتباط میان دو ملت نیز از قرن‌ها پیش برقرار بود؛ تبادلات فرهنگی، مسافرت و حضور دانشمندان، ادیبان و فرزندان هر دو طرف، به‌ویژه پارسی‌گویان در آناتولی، نیز از مبانی گسترش و استحکام روابط بود.

— برقراری ارتباط با غرب از طریق اعزام دانشجویان، تجار، سفرا، جهانگردان و... از دیگر مسائلی بود که، در دو کشور عثمانی و ایران، ورود افکار و اندیشه‌های جدید و رشد تفکر انجام اصلاحات را موجب شد. در واقع، عثمانی یکی از کانال‌هایی شد که اولاً از طریق آن ایرانیان به اروپا می‌رفتند و ثانیاً خود با حضور در استانبول و تشکیل کانون‌های فرهنگی، فکری و انتشار روزنامه و... به اندیشه اصلاحات در ایران پر و بال می‌دادند. این حضور ضمن تأثیرگذاری بر رشد فکری در هر دو کشور در کیفیت روابط آنها نیز مؤثر بود (همانجا).

— رشد و گسترش اندیشه پان-اسلامیسم^۱ و اتحاد اسلام، چه در آن موقع که سیدجمال‌الدین اسدآبادی و دیگران آن را مطرح کردند چه در زمان جنگ جهانی اول و تلاش عثمانی برای استفاده از

۱. توضیح این‌که پان-اسلامیسم یا اتحاد اسلام (به عربی: الوحدة الإسلامية) نام یک عقیده است که در آن سعی بر این است که با اتحاد بین مسلمانان، هر گونه پیوند با میهن و قومیت با پیوندهای فراملیتی اسلام جایگزین گردد.

مسلمانان در جنگ به نفع خود، از دیگر مسائلی است که در آستانه قرن بیستم (دو دهه اول آن) بر روابط دو کشور و رفتارهای سیاسی آنها تأثیرگذار بوده است.

— از جمله نکاتی که در اوایل قرن بیستم و نیز سال‌های جنگ جهانی اول و از طریق ملی‌گرایان ترک و به‌ویژه ترکان جوان در خصوص پان-ترکیسم^۱ و پان-تورانیسم^۲ مطرح شد، اتحاد قومی ترکان بود که این موضوع موجب نگرانی ایرانیان و روس‌ها شد و به‌نوعی روابط دو کشور را تحت تأثیر قرارداد.

عثمانی‌ها نه تنها زمینه‌های آشنایی ایرانیان را با مشروطیت و مردم‌سالاری و حکومت قانون فراهم کردند، بلکه واسطه ورود اندیشه‌های سیاسی نو به ایران نیز شدند. بیشتر مقامات و رجال سیاسی از این تحولات متأثر می‌شدند که از جمله بزرگ‌ترین این شخصیت‌ها، میرزا ملکم‌خان و میرزا آقاخان کرمانی بودند؛ چراکه ایشان نه تنها از تحولات و اصلاحات اروپا آگاه بودند بلکه با ایجاد دفاتر نمایندگی در کلکته، بمبئی، قاهره و استانبول، توانستند با دنیای سرمایه‌داری آشنا شوند، به تجارت بپردازند و همین امر باعث ایجاد ارتباط بین روشنفکران و تجار شد و به دنبال ارتباط با کشورهای دیگر، به ضعف سیاسی و اجتماعی کشور خود پی بردند و دست به انقلاب مشروطه زدند (رئیس‌نیا، ص ۷-۹؛ راین، ص ۲۵-۲۶).

ب) مطبوعات و انقلاب مشروطه: با صراحت تمام می‌توان گفت که از جمله عوامل مهمی که در شکل‌گیری افکار عمومی جدید در ایران، تأثیر بسزایی داشت، مطبوعات بود، که در داخل و خارج ایران منتشر می‌شد؛ روزنامه‌هایی مثل جبل‌المتین، نسیم شمال و صوراسرافیل که در داخل ایران به چاپ می‌رسیدند، و روزنامه اختر، که خارج از ایران، در استانبول، انتشار می‌یافت. ناگفته نماند که در اوایل انقلاب مشروطه، جهانگردان، زوار و بازرگانان نشریات مختلفی از آزادی‌خواهان ایران را که در استانبول، بمبئی، کلکته، مصر و لندن منتشر می‌شد، مخفیانه داخل کشور توزیع می‌کردند.

۱. پان‌ترکیسم یک حرکت سیاسی و ملی‌گرایانه، توسعه‌خواهانه و افراطی شکل گرفته در اواخر قرن نوزدهم و قرن بیستم میلادی است که بر پایه آن تمام مردمانی که ترک‌تبارند یا به زبان‌های ترکی سخن می‌گویند، باید تحت یک ملت و رهبری واحد در دولتی واحد و مستقل متحد شوند.

۲. تورانیسم که با نام پان‌تورانیسم هم شناخته می‌شود ایدئولوژی ساخته و پرداخته فردی مجارستانی است. این ایدئولوژی به منظور مقابله با ایدئولوژی‌های دیگر کشورهای اروپایی (مثل پان‌اسلاویسم و پان‌ژرمنیسم)، هم‌زمان با شکل‌گیری و رشد فزاینده ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی اروپایی، به منظور یارگیری مجارستانی‌ها و اتحاد آنها با کشورهای ترک‌زبان مثل عثمانی و برخی قومیت‌های اورالی زیر سایه امپراتوری تزار روسیه ساخته شد و هدف آنها یارگیری سیاسی برای مقابله با یکدیگر بود. ریشه اصلی کلمه «پان‌تورانیسم» به شاهنامه فردوسی و سرزمین افسانه‌ای توران برمی‌گردد.

میرزا مهدی و محمد طاهر، در سال ۱۸۷۵م، در استانبول برای اولین بار روزنامه اختر را منتشر کردند. این روزنامه در دوران بیست و دو ساله انتشارش روزنامه نگاری ایران را وارد عرصه نوینی نمود و به افزایش آگاهی های سیاسی و اجتماعی کشور کمک شایانی کرد (کسروی، ص ۳۹-۴۰). بنا به نوشته بسیاری از نویسندگان، این روزنامه خوانندگان و طرفداران زیادی داشته که به موضوعاتی در مورد حکومت قانون، آموزش و پرورش نو، سیاست خارجی، نقش کشورهای روسیه و انگلیس و همچنین وضعیت امپراتوری عثمانی و وضعیت داخلی ایران می پرداخت (ذاکر، ص ۴۴). کسروی نیز در کتاب خود در مورد اهمیت این روزنامه می نویسد: «گفتارهای آن مایه بیداری بسیاری از کسان است» (کسروی، ص ۴۰).

در این روزنامه ارزشمند، در استانبول، دو مقاله پراهمیت در مورد امتیاز توتون و تنباکو و امتیاز رژی درج گردیده، که در آن، ایران با نظام عثمانی چنین مقایسه شده است:

با اینکه محصول توتون عثمانی کمتر از توتون ایران است، اما دولت عثمانی برای حق انحصار خارجی سالانه هفتصد هزار لیره می گیرد و صادرات آن از قید انحصار آزاد است و کشاورز و تاجر هر دو حق صادر کردن آن را دارند، اما در ایران از این حق و حقوق ها نیست.

این روزنامه، برای نخستین بار پیش از اعلام دولت ایران، مذاکرات و متن قراردادی را، منتشر کرد و آزادی خواهان و روحانیان ایران را به مبارزه خواند (رنیس نیا، ص ۳۲۸). اما سرانجام این روزنامه با فشار دولت ایران و مسببان عثمانی تعطیل شد (سند، شماره ۲، ج ۱).

به هر روی، عواملی از جمله درگیری ها، اختلافات مرزی ایران و عثمانی و نیز ضعف و تشدید وابستگی سیاسی - اقتصادی عثمانی و ایران به غرب و افول اقتصاد ملی این دو کشور باعث شد هر دو کشور رونق تجارتي خود را از دست بدهند. این عامل برای منافع اقتصادی مشترک دو طرف زیان آور بود، زیرا مقادیری از ابریشم و سایر کالاهای صادراتی ایران از طریق قلمرو عثمانی و از راه طرابزون به غرب فرستاده می شد. این امر به دولت عثمانی در مقابل همسایگان شرقی قدرت می بخشید (رنیس نیا، ص ۸۲۴).

به این ترتیب، توسعه روابط ایران با دولت عثمانی، صرفاً ناشی از تمایل و آمادگی انگارگانی و نظری ایران نبود بلکه بخشی از آن ناشی از این حقیقت بود که دولت ایران تصمیم داشت، تا اقتصاد شمال کشور را از وابستگی به روسیه آزاد و دسترسی ایران به بازارهای جدید، از طریق بنادر عثمانی، را ممکن سازد. بر این اساس، راه ها و بنادر مواصلاتی عثمانی برای ایران، از جهت ایجاد

ارتباطات انسانی و اقتصادی، از اهمیت راهبردی برخوردار شد. این موضوع برای عثمانی نیز به لحاظ کسب درآمد، در مقام پایگاهی برای صادرات ایران، اهمیت داشت (RAMAZANI, s 258).

۴ روابط سیاسی

اختلافات جغرافیایی و سیاسی ایران و عثمانی، پس از سلسله نبردی بین قوای دو دولت و شکست نیروهای عثمانی از سرداران ایران، یعنی محمدعلی میرزا دولت شاه و عباس میرزا نایب السلطنه ولیعهد، با عقد قرارداد ارزنة الروم، در سال ۱۲۳۹ق، پایان یافت و از آن پس در مرزهای ایران و عثمانی (سرحدات غرب و شمال غرب ایران) آرامش برقرار گردید و هردو دولت (ایران و عثمانی)، در برابر مشکلات سیاسی و فشارهای استعماری روسیه و میانجیگری و مداخلات انگلستان، صلح و سازش را بر طرح دعاوی و جنگ و ستیز ترجیح دادند. ناگفته نماند که اختلاف دیرین این دو کشور، ناشی از علل زیر بود:

- اختلاف بر سر مرزهای طولانی؛
 - مسئله تابعیت برخی از ایل‌های نزدیک مرزها از آذربایجان تا خوزستان و حمایت شاهزادگان ایرانی از بعضی رؤسای قبایل؛
 - مسئله پناهندگی در ایران و عثمانی؛
 - رفتار غیراخلاقی عثمانی‌ها با زوار و حجاج ایرانی؛
 - مسئله تجاری بین دو کشور؛
 - مسئله دینی (اختلاف شیعه و سنی)؛
 - مسئله کردها، که همواره در دسرساز بود. گاهی کردهای این دو کشور با هم درگیر می‌شدند و زمانی نیز اموال مسافران را غارت می‌کردند و برانگیزاننده هرج و مرج می‌شدند.
- اما پس از معاهده ارزنة الروم، روابط دو کشور، با تأسیس نمایندگی سیاسی دائم در خاک یکدیگر، رو به بهبود نهاد و سفیر ایران در استانبول، میرزا جعفرخان (مشیرالدوله) در دربار عثمانی اعتبار و احترام کامل یافت. سفارتخانه ایران در پایتخت عثمانی ملجأ و پناهگاه اقلیت ارمنی ساکن خاک عثمانی و متظلمان و دادخواهان دیگر بود و در تهران نیز سفیر عثمانی از نهایت اکرام و احترام شاه و درباریان بهره می‌برد (شمیم، ص ۲۰۴).

۵ روابط تجاری

طبق قرارداد عهدنامه ارزنة الروم، موضوع آزادی تجارت بازرگانان ایرانی در خاک عثمانی و تعرفه گمرکی و طرز پرداخت عوارض گمرک در قرارداد جدید مطرح گردید، و برگ جدیدی به تاریخ روابط تجاری بین دو کشور افزوده شد. کشور عثمانی، به دلیل همسایگی با ایران، اقامت بازرگانان ایران در استانبول، و نیز موقعیت گذرگاهی این کشور به اروپا، برای ایران حائز اهمیت شد. عثمانیان نیز بعد از روسیه و انگلیس توانستند مقام سوم را در امر تجارت با این کشور به دست بیاورند (طباطبایی مجد، ص ۳۹۹). نکته جالب در آن مورد این است که همه گروه‌های تجار، روشنفکران و کارگران برای کسب و کار به استانبول می‌رفتند. به دلیل وجود قشرهای مختلف در استانبول، ایرانیان گروه‌های صنفی تشکیل دادند و برای هر گروه نیز رئیسی انتخاب کردند تا در بین قشرها اختلافی ایجاد نشود. ایران با صادر کردن باارزش‌ترین کالاها از جمله ابریشم و ...، از طریق استانبول به اروپا، باعث قدرت گرفتن عثمانی‌ها شد و این از جمله عللی بود که بعدها افول و ضعف روابط بین دو کشور همسایه و مسلمان را فراهم ساخت (رئیس‌نیا، ص ۸۲۳-۸۲۴).

۶ نتیجه

تحولات سیاسی، اداری، نظامی، اقتصادی و ... از سال ۱۷۸۹م، هم‌زمان با انقلاب کبیر فرانسه و مقارن با سلطنت سلطان سلیم سوم، در عثمانی آغاز شد. آثار جدی این تحولات در عصر تنظیمات، و در سال ۱۸۳۹م، با صدور فرمان گلخانه - که در نوع خود مرقی بود - از جانب سلطان عبدالمجید اول، نمود یافت و زمینه را برای وضع قانون اساسی مشروطه (۱۸۷۶م) در عثمانی فراهم ساخت. در ایران نیز، به دلیل قرن‌ها همسایگی با امپراتوری عثمانی از ناحیه غربی و شمال غربی و تأثیرات تاریخی ناشی از چگونگی روابط آنها، متعاقب آشنایی ایران و عثمانی با غرب و عمدتاً در اثر تنازعات نظامی و نیز پس از جنگ‌های ایران و روس، تفکرات روشنفکر مآبانه و اندیشه‌های اخذ تمدن غرب رشد یافت، و با تأخیری سی‌ساله نسبت به عثمانی، انقلاب مشروطه ایران، در سال ۱۹۰۶م، به پیروزی رسید.

با شدت گرفتن جنگ داخلی پیر و انقلاب مشروطه و پس از آن، وقوع جنگ جهانی اول، نتایج این انقلاب - از جمله حاکمیت مردم و استقرار دولت محدود به قانون - را با مشکلاتی مواجه ساخت.

امپراتوری عثمانی، با منابع و ثروت گسترده‌تری که در اختیار داشت، از منظر جغرافیایی و جمعیتی در طی چندین قرن، به‌ویژه از قرن ۱۵ تا اوایل قرن ۲۰ میلادی، ارتباطات همه‌جانبه با اروپا داشت؛ بنابراین، به طور عمیق‌تری از مدرنیته آن اثر پذیرفته بود، چنان‌که نخستین کانون پذیرش تحولات جدید فکری و عقاید آزادی‌خواهانه غرب محسوب می‌شد.

ایرانیان نیز از قدیم‌الایام با این کشور مسلمان روابطی گسترده داشتند، به‌خصوص از اواخر قرن ۱۸م به بعد، از طریق روابط فرهنگی، بازرگانی، آموزشی، سیاسی و اقتصادی، به طور مستقیم، تحت تأثیر اندیشه‌های نوگرایانه و دگرگونی‌ها و تجربیات این کشور قرار گرفتند. این در حالی بود که دولت قاجاری در ایران، از یک سو منابع محدودتری در اختیار داشت، و از سوی دیگر، بسیار غیرمتمرکز بود؛ از این رو، تحولات و اصلاحات متأثر از عثمانی با تأخیر آغاز شد. به دنبال امضای معاهده ارزنة‌الروم و با تأسیس نمایندگی سیاسی دائم در خاک در کشور و اعزام سفرا، روابط سیاسی ایران با عثمانی کاملاً بهبود یافته بود، به طوری که سفرای هر یک در پایتخت دیگری از احترام و اکرام سلطان و درباریان بهره‌مند بود.

در همین زمان، آزادی‌خواهان عثمانی، با امکانات موجودشان، به یاری آزادی‌خواهان ایران، علیه رژیم استبدادی سلطان عبدالحمید دوم، برخاستند، و مقارن با آن، در سرتاسر روسیه نیز نهضتی مردمی علیه سلطنت مطلقه تزار در حال قیام بود. بدین ترتیب، هر سه ملت ایران، عثمانی و روسیه، در بازه زمانی خاصی، به طور مشترک، مشغول سامان‌دهی نهضتی تاریخی بودند که، با اندکی تفاوت، اهداف یکسانی را محقق می‌کرد. در این میان، انقلاب مشروطه ایران از این افکار و اندیشه‌ها تأثیر می‌پذیرفت، و امپراتوری عثمانی از مؤلفه‌های اصلی این تأثیرپذیری بود.

منابع

- آرین‌پور، یحیی، «زندگی‌نامه یحیی آرین‌پور»، جهان کتاب، نیمه دوم مهر، ۱۳۷۴، ش ۱، ص ۱۴.
- اصفهانیان، داوود و شهروز ماشینچی، «بررسی گروه‌های تأثیرگذار ایرانی مقیم عثمانی بر اوضاع فرهنگی ایران در آستانه انقلاب مشروطیت»، مسکویه، ۱۳۹۲، س ۶، ش ۲۸، ص ۳۳-۴۸.
- علیزاده بیرجندی، زهرا، «عوامل مؤثر بر روابط ایران و عثمانی در دوره قاجاریه»، زمانه، ۱۳۸۵، ش ۵۰، ص ۳۹-۴۲.
- احمدوند، زینب، «بررسی روابط خارجی ایران و عثمانی در دوره زندیه (قرن هیجدهم میلادی)»، تاریخنامه خوارزمی، بهار، ۱۳۹۳، ش ۳، ص ۲۶-۵۰.

- اسدی، میثم و محی‌الدین خلخالی و داوود قربانی، «واکاوی روابط ایران و عثمانی در دوره صفویه با تکیه بر قراردادهای تاریخی»، ۱۳۹۴، تاریخ نو، ش ۱۲، ص ۱-۲۲.
- پیرزاده، محمدعلی بن محمد اسمعیل، سفرنامه حاجی پیرزاده، ج ۲، به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، بابک، تهران، ۱۳۶۰.
- عربخانی، رسول، «زیارت عراق، پدیده‌ای فرهنگی با ابعاد سیاسی؛ بررسی از مناسبات سیاسی ایران و عثمانی دوره قاجار»، شیعه‌شناسی، سال ۱۶، ۱۳۹۷، ش ۶۳، ص ۱۱۵-۱۳۰.
- دهقانی، رضا، بررسی روابط ایران و عثمانی به مثابه الگوی روابط شرقی - اسلامی، فرهنگ، پاییز، ۱۳۸۸، ش ۷۱، ص ۸۳-۱۰۸.
- نقیب‌زاده، احمد، «بازخوانی نظم برخاسته از معاهدات و ستفالی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، پاییز، ۱۳۸۳، ش ۶۵، ص ۱۷۸-۲۱۴.
- طباطبایی مجد، غلامرضا، معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجاریه، بنیاد موقوفات محمود افشار، تهران، ۱۳۷۳.
- ریاحی، محمدامین، زبان و ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی، پاژنگ، تهران، ۱۳۶۹.
- رائین، اسماعیل، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، ج ۲، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۷.
- رئیس‌نیا، صمد، نقش مرکز غیبی تبریز در انقلاب مشروطه، وارلیق، تبریز، ۱۳۷۴.
- رئیس‌نیا، رحیم، عزیز و دو انقلاب، چاپار، تهران، ۱۳۵۷.
- کسروی، احمد، تاریخ هیجده‌ساله آذربایجان، امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۶.
- کاووسی عراقی، محمدحسن، گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۵.
- شمیم، علی‌اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، علمی، تهران، ۱۳۷۸.
- ذاکرحسین، محمد، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۵.
- تقی‌زاده، سیدحسن، زندگی طوفانی (خاطرات سیدحسن تقی‌زاده)، به کوشش استاد ایرج افشار، توس، تهران، ۱۳۶۸.

RAMAZANI, Rouhollah K. (1966), *The Foreign Policy of Iran: A Developing Nation in World Affairs (1506-1941)*, University of Virginia Press.